



دانشگاه شاهرود
پیام نور

استنباط‌های فلسفی و کلامی از قرآن و حدیث

دکتر ناصر محمدی

«امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.»^۱

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پانزده

پیشگفتار

۱	بخش اول: تفسیر فلسفی و اندیشه حکمی در رویکرد تفسیری ملاصدرا و ابن سینا
۳	فصل اول: روش عقلی، گرایش فلسفی و سبک تفسیری ملاصدرا و ابن سینا
۳	هدف کلی
۳	هدف‌های یادگیری
۳	مقدمه
۴	۱-۱ روش تفسیر عقلی
۵	۱-۱-۱ معنای عقل در روش تفسیر عقلی با گرایش فلسفی
۷	۱-۱-۲ معنای عقل در دیگر گرایش‌های عقلی در تفسیر قرآن
۷	۲-۱ تفسیر عقلی، تفسیر فلسفی و تفسیر به رأی
۱۰	۳-۱ گرایش‌های تفسیری صدرا
۱۰	۱-۳-۱ گرایش یا روش عرفانی
۱۱	۲-۳-۱ گرایش شیعی
۱۳	۳-۳-۱ گرایش کلامی
۱۳	۴-۳-۱ گرایش ادبی
۱۴	۵-۳-۱ گرایش فقهی
۱۴	۶-۳-۱ گرایش فلسفی
۱۶	۴-۱ گرایش فلسفی در تفسیر ملاصدرا
۱۷	۵-۱ گرایش فلسفی یک ضرورت در تفسیر قرآن
۱۷	۶-۱ حوزه عمل تفسیر فلسفی
۱۸	۷-۱ دیدگاه‌های مختلف درباره تفسیر فلسفی
۱۹	۱-۷-۱ تأثیر اصول و مبانی فلسفی در تفسیر قرآن
۱۹	۲-۷-۱ تأثیرپذیری فلسفه از قرآن
۲۰	۳-۷-۱ انطباق فلسفه و تفسیر در تفسیر فلسفی

۲۳	۸-۱ قرابت گرایش‌های فلسفی و کلامی در تفسیر قرآن
۲۳	۹-۱ روش تفسیری ابن سینا
۲۳	۱۰-۱ گرایش فلسفی در تفسیر ابن سینا
۲۶	۱۱-۱ کلیاتی درباره تفاسیر ملاصدرا
۲۹	۱۲-۱ آیات و سوره‌هایی که ملاصدرا به تفسیر آن‌ها پرداخته است.
۲۹	۱۳-۱ سبک تفسیری ملاصدرا
۳۳	۱-۱۳ اصول کلی
۳۳	۱-۱۳-۲ ترتیب مباحث تفسیری، استدلالی، عقلی و عرفانی
۳۴	۱-۱۴ معرفی تفاسیر ملاصدرا و مشخصات آن‌ها
۳۶	۱-۱۵ تفاسیر ابن سینا
۳۶	۱-۱۶ سبک تفسیری ابن سینا
۳۷	۱-۱۷ تأثیر ابن سینا در تفسیر ملاصدرا
۳۹	۱-۱۷-۱ تفسیر سوره اعلی
۴۰	۱-۱۷-۲ تفسیر سوره فلق
۴۰	۱-۱۷-۳ تفسیر سوره ناس
۴۱	۱-۱۷-۴ تفسیر حروف مقطعه
۴۱	۱-۱۷-۵ تفسیر آیه دخان
۴۱	۱-۱۷-۶ تفسیر آیه نور
۴۲	۱-۱۷-۷ تفسیر آیه: «لا احب الاقلین»
۴۲	۱-۱۷-۸ تفسیر آیه «کل شیء هالک الا وجهه»
۴۳	۱-۱۷-۹ تفسیر آیه «اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید»
۴۳	۱-۱۷-۱۰ تفسیر آیه «سنبهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق»
۴۳	۱-۱۷-۱۱ تفسیر آیه: «شهدالله انه لا اله الا هو»
۴۳	۱-۱۷-۱۲ تفسیر آیه «و علیها تسعه عشر»
۴۴	۱-۱۷-۱۳ تفسیر آیه «کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحبوبون»
۴۴	۱-۱۷-۱۴ تفسیر آیه «لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم»
۴۴	۱-۱۷-۱۵ تفسیر آیه «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی»
۴۵	خلاصه فصل اول
۴۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول

۴۷	فصل دوم: تفسیر و تأویل از دیدگاه ملاصدرا و ابن سینا
۴۷	هدف کلی
۴۷	هدف‌های یادگیری
۴۷	مقدمه
۴۸	۲-۱ تفسیر در لغت و اصطلاح
۴۹	۲-۲ دانش تفسیر از دیدگاه صدرالمألهین

۴۹	۲-۲-۱ جایگاه تفسیر در علوم دینی
۴۹	۲-۲-۲ هدف تفسیر
۵۰	۲-۲-۳ اقسام تفسیر
۵۲	۲-۳ تأویل در لغت و اصطلاح
۵۳	۲-۴ دانش تأویل از دیدگاه صدرالمتهلین
۵۵	۲-۵ فایده تأویل
۵۵	۲-۶ تفاوت‌های تفسیر و تأویل
۵۶	۲-۷ ظاهر و باطن قرآن و عبارات و اشارات آن
۵۸	۲-۸ مراتب باطنی قرآن
۵۸	۲-۸-۱ ظاهر عَکَن یا آشکار
۵۸	۲-۸-۲ باطن عَکَن یا آشکار
۵۹	۲-۸-۳ مرتبه باطن
۵۹	۲-۸-۴ مرتبه سرّ
۶۰	۲-۹ اصول تأویل صحیح
۶۰	۲-۹-۱ راه‌های وصول به باطن
۶۱	۲-۹-۲ دو اصل عمده در تفاسیر صدرا
۶۲	۲-۹-۳ ابعاد اهمیت ظاهر در رسیدن به باطن
۶۴	۲-۹-۴ وجود صارف عقلی
۶۴	۲-۹-۵ وجود آیات قرآنی بسیار و احادیث نبوی
۶۴	۲-۹-۶ با ظاهر در تناقض نباشد.
۶۵	۲-۹-۷ حدّ وسط افراط و تفریط باشد.
۶۵	۲-۹-۸ عدم حمل کلام بر غیر معنای موضوع له
۶۶	۲-۹-۹ تأویل نباید عقلا و شرعا حرام باشد.
۶۶	۲-۹-۱۰ دانش تأویل یک موهبت الهی است.
۶۶	۲-۹-۱۱ صدرا به تأویل بی حد و حصر قرآن قائل است.
۶۶	۲-۱۰ تأویل از دیدگاه ابن سینا
۶۹	خلاصه فصل دوم
۷۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۷۱	فصل سوم: حکمت و فلسفه در اندیشه تفسیری ملاصدرا و ابن سینا
۷۱	هدف کلی
۷۱	هدف‌های یادگیری
۷۱	مقدمه
۷۲	۳-۱ معنانشناسی واژه حکمت
۷۲	۳-۱-۱ نبوت و حکمت
۷۴	۳-۱-۲ فلسفه یا حکمت؟
۷۶	۳-۱-۳ تعریف حکمت و فلسفه

۷۸	۳-۱-۴ دوگونه حکمت در قرآن و حدیث
۸۱	۳-۲ تطابق قرآن و حکمت
۸۲	۳-۳ رابطه قرآن و حکمت در اندیشه تفسیری ابن سینا
۸۲	۳-۳-۱ ترادف حکمت و فلسفه
۸۳	۳-۳-۲ تعریف حکمت
۸۳	۳-۳-۳ حکمت معادل قرآن است
۸۴	۳-۴ تعبیر گوناگون حکمت از نگاه ملاصدرا
۸۴	۳-۴-۱ نام‌های قرآنی حکمت
۸۵	۳-۴-۲ ایمان حقیقی
۸۵	۳-۴-۳ علم حقیقی
۸۶	۳-۴-۴ علم ممدوح
۸۶	۳-۴-۵ علم مکاشفه
۸۶	۳-۴-۶ ذکر حقیقی
۸۷	۳-۴-۷ فضل و فیض الهی
۸۷	۳-۵ ویژگی‌های حکیم
۸۹	۳-۶ شرایط و مقدمات کسب حکمت
۸۹	۳-۶-۱ شرایط اولیه
۸۹	۳-۶-۲ حکمت غریزی
۸۹	۳-۶-۳ حصول فطرت دوم
۹۰	۳-۶-۴ تدبر در آیات خدا و اندیشیدن درباره ملکوت آسمان‌ها و زمین
۹۰	۳-۶-۵ خلوت و ریاضت و استغراق نفس در افکار علمی و انتقالات ذهنی
۹۰	۳-۶-۶ اکتساب مقدمات و مبادی
۹۱	۳-۶-۷ پرهیز از تقلید و عدم جمود بر اعتقادات تقلیدی
۹۱	۳-۶-۸ شناخت حقایق الهی به درجه برهان یقینی
۹۲	۳-۶-۹ تفاوت معقولات و امور حکمی الهی
۹۳	۳-۶-۱۰ بهره‌گیری از نور نبوت و ولایت
۹۳	۳-۶-۱۱ شناخت نفس
۹۴	۳-۷ کمال اخلاقی حکیم
۹۴	۳-۷-۱ شرایط و مقدمات اخلاقی کسب حکمت
۹۶	خلاصه فصل سوم
۹۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۹۹	بخش دوم: قرآن در اندیشه تفسیری ملاصدرا
۱۰۱	فصل چهارم: جایگاه قرآن در نظام آفرینش
۱۰۱	هدف کلی
۱۰۱	هدف‌های یادگیری
۱۰۱	مقدمه

۱۰۲	۴-۱ مراتب علم حق تعالی
۱۰۳	۴-۱-۱ عنایت
۱۰۳	۴-۱-۲ قضاء
۱۰۴	۴-۱-۳ قلم اعلی و اقلام عقلی
۱۰۶	۴-۱-۴ نفس کلی و دیگر نفوس جزئی
۱۰۷	۴-۱-۵ لوح قدر خارجی یا عالم طبیعت و ماده
۱۰۹	۴-۲ نزول قرآن در عوالم مختلف
۱۱۱	۴-۳ کلام و کتاب وجودی حق تعالی و ارتباط آن‌ها با قرآن
۱۱۱	۴-۳-۱ کلام وجودی
۱۱۵	۴-۳-۲ کتاب وجودی حق تعالی
۱۱۶	۴-۴ مقایسه کلام و کتاب وجودی حق
۱۱۹	خلاصه فصل چهارم
۱۲۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۲۲	فصل پنجم: ویژگی‌های قرآن به‌عنوان کلام الهی
۱۲۲	هدف کلی
۱۲۲	هدف‌های یادگیری
۱۲۲	مقدمه
۱۲۳	۵-۱ کلام الهی
۱۲۳	۵-۱-۱ تعریف کلام
۱۲۴	۵-۱-۲ نطق و کلام ظاهری
۱۲۴	۵-۱-۳ کلام حقیقی و کلام الهی
۱۲۵	۵-۲ فهم کلام الهی
۱۲۵	۵-۲-۱ تعریف فهم و فقه
۱۲۶	۵-۲-۲ امکان فهم قرآن
۱۲۸	۵-۳ ویژگی‌های قرآن به‌عنوان متعلق فهم
۱۲۸	۵-۳-۱ موضوع فهم؛ قرآن از آن جهت که قرآن است.
۱۲۸	۵-۳-۲ عظمت کلام الهی
۱۲۹	۵-۳-۳ قرآن بحری عمیق و در قالب رمز و راز
۱۲۹	۵-۳-۴ ابعاد کتابی و کلامی قرآن
۱۳۰	۵-۳-۵ خطاب عام قرآن و فهم خاص آن
۱۳۱	۵-۳-۶ قرآن حقیقتی واحد اما ذومراتب
۱۳۲	۵-۳-۷ تنوع معارف قرآن برای اصناف مردم
۱۳۳	۵-۳-۸ قرآن برای گروهی هدایت و برای گروهی ضلالت است.
۱۳۴	۵-۳-۹ برخی از دیگر ویژگی‌های متنی قرآن
۱۳۴	۵-۴ تفاوت‌های قرآن با دیگر کتاب‌های آسمانی
۱۳۷	۵-۵ ظاهر و باطن قرآن

۱۳۸	۵-۵-۱ ظهور و بطون، مبنای وجودی عالم
۱۳۸	۵-۵-۲ خدا هم ظاهر و هم باطن است.
۱۳۹	۵-۵-۳ ظاهر انسان و باطن او
۱۴۰	۵-۵-۴ باطن نبوت و ظاهر آن و ظاهر و باطن شریعت
۱۴۰	۵-۵-۵ ظاهر و باطن قرآن و عبارات و اشارات آن
۱۴۱	۵-۶ نقش و اهمیت ظاهر قرآن در فهم باطن آن
۱۴۲	خلاصه فصل پنجم
۱۴۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۴۴	فصل ششم: شرایط فهم کلام الهی
۱۴۴	هدف کلی
۱۴۴	هدف‌های یادگیری
۱۴۴	مقدمه
۱۴۵	۶-۱ درجات و مراتب فهم‌کنندگان قرآن
۱۴۷	۶-۲ انواع حجاب‌ها یا موانع فهم قرآن
۱۴۷	۶-۲-۱ حجاب‌های درونی یا داخلی
۱۴۹	۶-۲-۲ حجاب‌های بیرونی
۱۵۱	۶-۳ اسباب، شرایط و راه‌های فهم قرآن
۱۵۲	۶-۳-۱ استیفای عمر در مؤانست با قرآن
۱۵۲	۶-۳-۲ تدبیر و استنباط
۱۵۴	۶-۳-۳ اطلاع از سایر تفاسیر
۱۵۴	۶-۳-۴ تأمل در حکمت و الهیات و تحقیق درباره فرقه‌های مسلمان
۱۵۵	۶-۳-۵ اکتفا به موضوعات مهم علمی و توجه به فراوانی عمل و مراقبت قلب
۱۵۵	۶-۳-۶ ابتدا مطالعه آیات خلقی و سپس آیات عقلی و کلامی
۱۵۶	۶-۳-۷ شناخت نفس انسانی راه ورود به دانش قرآن
۱۵۶	۶-۳-۸ مراجعه به اهل قرآن یا راسخان در علم
۱۵۸	۶-۳-۹ عدم توجه به یاوه‌گویی‌های مدعیان دروغین تصوف و فلسفه
۱۵۸	۶-۳-۱۰ طهارت، تقوی و تصفیة نفس
۱۵۹	۶-۳-۱۱ تخصیص
۱۵۹	۶-۳-۱۲ گذر از مقام حکایت به مقام اتصاف
۱۶۲	۶-۳-۱۳ ترقی و بر شدن
۱۶۲	۶-۳-۱۴ موت از نشأت، راه رسیدن به باطن و سر قرآن
۱۶۳	۶-۳-۱۵ وجود نوری در قلب
۱۶۴	۶-۳-۱۶ بازبودن راه حواس باطنی و گشوده‌بودن دل و قلب آدمی
۱۶۶	خلاصه فصل ششم
۱۶۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم

۱۶۹	بخش سوم: وحی و نبوت در اندیشه تفسیری ملاصدرا
۱۷۱	فصل هفتم: معرفت‌شناسی وحی
۱۷۱	هدف کلی
۱۷۱	هدف‌های یادگیری
۱۷۱	مقدمه
۱۷۲	۱-۷ جایگاه معرفت شناسانه وحی
۱۷۳	۲-۷ کمال قوه نظری شرط نزول وحی
۱۷۵	۳-۷ جایگاه وحی در راه‌های تحصیل علم
۱۷۷	۴-۷ چرا راه‌های تحصیل علم دو راه است؟
۱۷۷	۵-۷ آیا معرفت انبیا به تقلید از جبرئیل است؟
۱۷۸	۶-۷ درجات و مراتب علوم موهبتی و حدسی
۱۷۹	۷-۷ وحی و الهام
۱۷۹	۱-۷-۷ تشابهات وحی و الهام
۱۸۰	۲-۷-۷ تفاوت‌های وحی و الهام
۱۸۳	۸-۷ تعریف وحی و الهام
۱۸۳	خلاصه فصل هفتم
۱۸۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۱۸۵	فصل هشتم: کیفیت نزول و دریافت وحی
۱۸۵	هدف کلی
۱۸۵	هدف‌های یادگیری
۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	۱-۸ چگونگی نزول وحی از نگاه ملاصدرا
۱۸۶	۱-۱-۸ نظریه اول (نظریه رایج)
۱۸۷	۲-۱-۸ نظریه دوم
۱۸۷	۳-۱-۸ نظریه سوم
۱۸۸	۴-۱-۸ نظریه چهارم (نظریه صدرا)
۱۹۰	۲-۸ تفاوتی مبتنی صدرا و جمهور حکما در مسئله شنیدن و دیدن
۱۹۱	۳-۸ تفاوت شنیدن و دیدن در وحی و حس
۱۹۲	۴-۸ نقش خیال در شنیدن و دیدن به هنگام اتصال به مبادی عالی
۱۹۵	۵-۸ پیامبر در قوه متخیله کامل‌ترین مردمان است
۱۹۶	۱-۵-۸ احضار صورت‌ها و معانی بدون استمداد از حواس ظاهری
۱۹۶	۲-۵-۸ توجه به ملکوت اعلی همراه باتوجه به هر دو جانب
۱۹۷	۳-۵-۸ اعلام حقایق و مکالمه حقیقی روح نبی و خدا
۱۹۸	۴-۵-۸ تمثّل فرشته وحی در باطن نبی
۱۹۸	۵-۵-۸ تمثّل وحی و فرشته وحی در برابر حواس ظاهری
۲۰۱	۶-۸ چرا جبرئیل به صورت‌های مختلف تمثّل می‌یافت؟

۲۰۲	۷-۸ درجات و مراتب وحی
۲۰۴	۸-۸ وحی بر غیرانبیا
۲۰۵	خلاصه فصل هشتم
۲۰۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۲۰۸	فصل نهم: نبوت در اندیشه تفسیری ملاصدرا
۲۰۸	هدف کلی
۲۰۸	هدف‌های یادگیری
۲۰۸	مقدمه
۲۰۹	۱-۹ حقیقت محمدی، اولین مخلوق، واسطه ایجاد و نتیجه خلقت
۲۱۰	۲-۹ حقیقت علوی
۲۱۱	۳-۹ رسول خدا، درقوس نزول و صعود واسطه ایجاد عوالم است
۲۱۲	۴-۹ جوهر نبوت، جامع عوالم است
۲۱۶	۵-۹ پیامبر (ص) به اجمال و به اعتدال مظهر صفات الهی است
۲۱۶	۶-۹ تمام اعضای ظاهری و باطنی پیامبر، برهان خدا است
۲۱۷	۷-۹ فعل نبی، فعل حق است
۲۱۷	۸-۹ انسان کامل، عالم صغیر و خلیفه خدا در زمین است
۲۱۸	۹-۹ بهره هر انسانی از خلافت الهی متفاوت است
۲۱۹	۱۰-۹ مخالفت جنسی و نوعی پیامبر با سایر افراد بشر
۲۲۱	۱۱-۹ قرآن جوهر ذات نبی است
۲۲۲	۱۲-۹ دلایل و قراین یگانگی ذات نبی (ص) و قرآن
۲۲۴	خلاصه فصل نهم
۲۲۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم
۲۲۷	بخش چهارم: مبدأ و معاد در اندیشه تفسیری ملاصدرا
۲۲۹	فصل دهم: زبان قرآن در سخن از ذات حق و عالم آخرت با اشاره به نظریات ابن‌سینا و غزالی
۲۲۹	هدف کلی
۲۲۹	هدف‌های یادگیری
۲۲۹	مقدمه
۲۳۰	۱-۱۰ زبان قرآن در سخن از ذات خدا
۲۳۳	۱-۱۰-۱ زبان تنزیه، تقدیس و تسبیح
۲۳۳	۲-۱-۱۰ حقیقت تسبیح
۲۳۴	۲-۱۰ زبان قرآن و روایات در احوال قبر و قیامت
۲۳۴	۱-۲-۱۰ عذاب‌های قبر
۲۳۵	۲-۲-۱۰ ثواب‌ها و عقاب‌ها و صورت‌های اخروی نفس اعمال انسان هستند
۲۳۶	۳-۲-۱۰ صورت‌های اخروی حقیقی‌اند
۲۳۷	۳-۱۰ نظریه ابن‌سینا و غزالی

۲۳۷	۱۰-۳-۱ ملاک التذاد، انعکاس و ارتسام در حس است نه وجود خارجی
۲۳۷	۱۰-۳-۲ ضعف متخیله در این عالم و قوت آن در آخرت
۲۳۸	۱۰-۳-۳ وجه برتری موجود متخیل بر موجود خارج حس
۲۳۸	۱۰-۴ نظریه صدرا و نقدهای او بر غزالی و ابن سینا
۲۳۹	۱۰-۴-۱ تبیین دقیق تر نظریه صدرا
۲۴۱	۱۰-۴-۲ برخی لوازم نظریه ملاصدرا
۲۴۳	خلاصه فصل دهم
۲۴۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم
۲۴۵	فصل یازدهم: زبان قرآن در اسماء و صفات الهی
۲۴۵	هدف کلی
۲۴۵	هدف‌های یادگیری
۲۴۵	مقدمه
۲۴۶	۱۱-۱ طرح مسئله
۲۴۷	۱۱-۲ محورهای بحث از خدا در زبان قرآن
۲۴۷	۱۱-۲-۱ خدا
۲۴۸	۱۱-۳ شناخت زبان قرآن در بحث از اوصاف و افعال خدا
۲۴۸	۱۱-۳-۱ اوصاف ایجابی مختص و اوصاف سلبی
۲۴۹	۱۱-۳-۲ افعال و اوصاف ایجابی و مشترک
۲۵۲	۱۱-۳-۳ معانی بشری مستلزم تجدد و تغییر در علم و اراده الهی
۲۵۵	۱۱-۳-۴ اوصاف بشری مستلزم انفعال نفسانی
۲۵۹	۱۱-۳-۵ اوصاف موهم تعدی و ظلم
۲۶۱	۱۱-۳-۶ انتسابات بشری مستلزم جسمانیت
۲۶۸	۱۱-۳-۷ صفات ناقصه بشری
۲۶۹	خلاصه فصل یازدهم
۲۷۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل یازدهم
۲۷۳	پاسخنامه
۲۷۵	منابع

پیشگفتار

استنباط‌های فلسفی و کلامی از قرآن و حدیث نام دو واحد درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته گرایش‌های مختلف فلسفه اسلامی است. آنچه پیش‌روی دانشجویان گرامی و طالبان مطالعات بین‌رشته‌ای فلسفه و تفسیر قرآن دارد، تلاشی است برای ارائه برداشت‌های فلسفی و کلامی که توسط حکیم مثاله صدرالمألهین شیرازی از قرآن و حدیث به‌عمل آمده است. البته در این اثر سعی شده است به تفاسیر بسیار محدود ابن‌سینا از قرآن نیز مراجعه شود و نگاه کاملاً فلسفی او به قرآن و تأثیرش در ملاصدرا نشان داده شود.

روش مراجعه ملاصدرا به قرآن و حدیث همچون فلسفه او، روش حکمی است که در آن قرآن، عرفا و برهان به وحدت می‌گرایند. خوانش فلسفی، عرفانی و کلامی ملاصدرا از اصول اعتقادی دین با رویکرد تفسیر فلسفی و کلامی و عرفانی از آیات و روایات وارده هدفی است که مدنظر نگارنده بوده و امیدوار است که به آن نائل شده باشد.

صدرالمفسرین فیلسوفان مسلمان دارای آثار قرآنی و روایی مستقلی است؛ همچون تفسیرالقرآن، مفاتیح‌الغیب، اسرارالآیات، شرح‌الاصول الکافی و رساله‌های متعدد در زمینه قرآن و حدیث؛ اما گذشته از آثار قرآنی و روایی که در این نوشتار مطمع‌نظر اصلی نگارنده بوده‌اند، کلیه آثار فلسفی ملاصدرا نیز عرصه تفسیر و تأویل آیات کریمه قرآن و روایات است.

بدین جهت در بررسی استنباط‌های فلسفی و کلامی و عرفانی صدررا، تنها به آثار قرآنی و روایی او اکتفا نشده است که در این صورت از بخش عظیمی از تفاسیر پراکنده وی که در میان آثار فراوان فلسفی او قرار گرفته‌اند محروم می‌شدیم.

رشد فلسفه اسلامی بدون شک مرهون تأمل در متون دینی به‌ویژه قرآن است که همیشه الهام‌بخش فیلسوفان مسلمانی چون ملاصدرا بوده‌اند. او اولین فیلسوفی است که به معنای واقعی کلمه تفسیر قرآن و روایات را سرلوحه خود قرار داد و آثار فراوانی را در این عرصه از خود به جای گذاشت و سبب شد پس از او آثار فراوان دیگری از سوی فیلسوفان متدین و مسلمان در تفسیر قرآن به رشته تحریر درآید.

البته که این چند فصل مدعی استیفای کامل برداشت‌های فلسفی و کلامی ملاصدرا از قرآن و حدیث نیست؛ بلکه بر آن بوده تا در حد دو واحد درسی، بخشی از آن‌ها را در معرض اندیشه و ذهن دانشجویان فلسفه اسلامی قرار دهد.

این کتاب با محوریت تفاسیر و شروح ملاصدرا از قرآن و حدیث و تاحدی ابن‌سینا در چهاربخش و یازده فصل سامان داده شده است:

در بخش نخست به تفسیر فلسفی، ماهیت و چیستی آن پرداخته شده است و براساس روش اصحاب علوم قرآن و فرهنگ مصطلحات ایشان، روش عقلی، گرایش فلسفی و سبک تفسیری ملاصدرا و ابن‌سینا مورد بازخوانی قرار گرفته است. در این بخش، تعریف تفسیر و تأویل فلسفی از دیدگاه این دو فیلسوف به دست می‌آید. پرواضح است که در استنباط‌های فلسفی از قرآن و حدیث، لازم است مراد خود از حکمت و فلسفه و تفاوت این دو اصطلاح را روشن کنیم و نسبت قرآن با حکمت و فلسفه را مورد واکاوی قرار دهیم. قرآن و حکمت در تفسیر ملاصدرا عدل یکدیگرند. این موضوع نیز در همین بخش به بحث گذاشته شده است.

اما در بخش دوم، موضوع مبدأ و معاد از دریچه زبان‌شناسی و باتوجه به مشکلات زبانی سخن از خدا و آخرت و باعنوان زبان قرآن در سخن از این‌گونه مسائل مورد بررسی قرار گرفته است. اگر خاستگاه اصلی تأویل قرآن، گزاره‌های «درباره خدا» بوده باشد، بررسی دیدگاه‌های تأویل‌گرایانه ملاصدرا از قرآن در سخن از خدا و آخرت از مباحث پرجاذبه و چالش‌برانگیز نوشتار حاضر است.

در بخش سوم، از وحی، چگونگی نزول و دریافت آن و جایگاه معرفت‌شناسانه‌اش در نظام فلسفی ملاصدرا سخن رفته است. به دنبال آن، بررسی مقام پیامبر، ویژگی‌ها و جایگاهش در نظام هستی مطرح شده و بدین ترتیب بخشی از مباحث وحی و نبوت در دید فلسفی و کلامی ملاصدرا با تکیه بر آیات و روایات مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است.

و سرانجام در بخش چهارم، قرآن، به عنوان یک متن وحیانی در اندیشه تفسیری ملاصدرا مورد بررسی و تأمل قرار گرفته است. بر این اساس ابتدا از جایگاه قرآن در نظام هستی‌شناسی ملاصدرا به اتکای آیات قرآن بحث شده است و ویژگی‌هایش، به عنوان کلام و کتاب الهی بر شمرده شده است و در انتها از شرایط فهم قرآن و استنباط از آن به تفصیل سخن رفته است.

از ویژگی‌ها و امتیازات پژوهش حاضر این است که هم نگاه فلسفی، کلامی و عرفانی ملاصدرا به قرآن و روایات را نشان داده است و هم از سوی دیگر توانسته برخی از مبانی عمده تفسیری او را به نمایش بگذارد؛ به طوری که خواننده متأمل می‌تواند این مبانی را از درون مباحث این کتاب استخراج کند. امید آنکه اصحاب فلسفه، کلام و قرآن و حدیث، اینجانب را با ارائه نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود در تکمیل این اثر یاری کنند.

بخش اول

تفسیر فلسفی و اندیشهٔ حکمی در
رویکرد تفسیری ملاصدرا و ابن سینا

فصل اول

روش عقلی، گرایش فلسفی و سبک تفسیری ملاصدرا و ابن سینا

هدف کلی

آشنایی دانشجویان با روش عقلی و گرایش فلسفی در تفسیر قرآن.

هدف‌های یادگیری

- انتظار می‌رود دانشجویان پس از مطالعه این فصل بتوانند:
۱. انواع روش‌های تفسیر قرآن را بشناسد.
 ۲. با انواع گرایش‌های تفسیری در روش عقلی آشنا شود.
 ۳. با تعریف گرایش فلسفی در تفسیر قرآن آشنا شود.
 ۴. سبک تفسیری ملاصدرا و ابن سینا را بازشناسد.
 ۵. با مجموعه تفاسیر ملاصدرا و ابن سینا آشنا شده و تأثیر تفاسیر فلسفی ابن سینا در تفسیر قرآن ملاصدرا را دریابد.

مقدمه

به‌رغم آنکه در این فصل سخن از یک فیلسوف مفسر است؛ اما روش تفسیری صدرالمتألهین، جامع است و از روش‌های عقلی، نقلی و شهودی در تفسیر خود سود برده است. در ناحیه گرایش‌های تفسیری نیز، هرچند گرایش غالب در تفسیر او، گرایش فلسفی

- عرفانی است؛ اما گرایش حکمی، نام شایسته این گرایش غالب است؛ زیرا به همان میزان که فلسفه او متعالی و در نتیجه حکمی و متفاوت از سایر فلسفه‌های رایج است، تفسیر او نیز، تفسیر متعالی و در نتیجه حکمی و از سایر تفسیرها متمایز است. در این قسمت از چستی تفسیر فلسفی به عنوان یک گرایش تفسیری و معنای درست آن در نزد صدر را به تفصیل سخن به میان آمده است.

۱-۱ روش تفسیر عقلی

مراد از روش، روش استفاده از ابزار یا منابع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد. روش؛ یعنی چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن. بنابراین روش تفسیری، روش کشف معنا و مقصود آیه است براساس منبع و ابزار تفسیری همچون عقل و نقل (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳-۲۱).

روش تفسیری امری است فراگیر که مفسر آن را در همه آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف در آن باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود و آن چیزی جز منابع و مستندات تفسیر نیست (شاکر، ۱۳۸۱، دفتر ۷۲: ۴۶).

بر همین اساس تفاسیر قرآن از دیرباز تاکنون به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند؛ یکی تفسیر نقلی یا ماثور و دوم تفسیر عقلی و اجتهادی. آنگاه تفسیر نقلی را به اقسامی چون تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به سنت و غیره و تفسیر عقلی یا اجتهادی را به تفاسیر فقهی، علمی، اجتماعی، کلامی، فلسفی، ادبی و عرفانی، جامع و غیره تقسیم کرده‌اند (معرفت، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸-۵۳۴ و ۸-۱۰۴).

روش عقلی، دارای مؤیدات فراوانی از آیات قرآنی است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدَّبِّروا آیاته و لیتذکَّر اولوالالباب»^۱ (ص/۲).
- «افلا یتدبَّرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیهِ اختلافاً کثیراً»^۲ (نساء/۸۲).
- «کذلک یمیِّن الله لکم آیاته لعلَّکم تعقلون»^۳ (بقره/۴۲).

۱. کتابی مبارک که آن را به سویی تو نازل کردیم برای اینکه در آیاتش تدبیر کنند و صاحبان خرد متذکر شوند.

۲. چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند که اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلاف بسیار می‌یافتند.

۳. خدا این گونه آیاتش را برای شما تبیین می‌کند، شاید که بیاندیشید.

- و آیات فراوان دیگری که در پایان آن‌ها، انسان دعوت به تعقل می‌شود با عباراتی چون؛ «افلا تعقلون»، «لعلکم تعقلون»، «لقوم یعقلون».

صدرا اندیشه و تدبیر را از شروط و آداب تلاوت قرآن بیان کرده؛ چراکه هدف اصلی از قرآن، تدبیر است و خواندن قرآن اگر با تدبیر نباشد، خیری در آن نیست (ملاصدرا، ۱۳۸۶: ۱۰۰ و ۱۹۸۱، ج ۴: ۴۶). تدبیر، فهم و ادراکی فراتر از فهم و ادراک جمهور مردم است و از ویژگی‌هایش آن است که با تقلید و آموزش به دست نمی‌آید و تنها با نیروی یقین حاصل می‌شود (همو، ۱۳۸۶: ۱۰۰). وی حتی به استناد آیه شریفه «لعلمه الذین یستنبطونه منهم»^۱ (نساء/۸۳)، فراتر از تدبیر به استنباط از قرآن قائل است و استنباط، استخراج علوم گذشته و آینده از قرآن است (همان: ۱۰۱) و باب استنباط در واقع گشودن دریچه‌ای به انواع تفاسیر عقلی است.

دریافت حقیقت عقلی قرآن از عالم امر و به توسط گوهر عقل است. زیرا تنها عقل می‌تواند این حقیقت را از فضای جهان امر که برتر از آن است که در درون جسمی مکانی و یا درخور تصوّر و یا داخل در حس و وهم باشد، فراگیرد (همان: ۶۶).

۱-۱-۱ معنای عقل در روش تفسیر عقلی با گرایش فلسفی

از قرار گرفتن روش عقلی در مقابل روش اثری و روایی در تفسیر قرآن، تاحل‌زیادی معنای عقل و روش مبتنی بر آن روشن می‌شود. یعنی در روش اثری، تکیه و اعتماد اولاً و بالذات بر مآثرات است و عقل دارای نقش ثانی و در رتبه دوم است. عقل در این روش یعنی مطلق نیروی فکر و اندیشه و قوه قبول دانش که اگر در انسان نباشد، تکلیف از او برداشته می‌شود. عقل در اینجا به اصطلاح آقای جوادی آملی، عقل مصباح است (جوادی آملی، ج ۱: ۱۶۹).

اما در روش تفسیر عقلی، عقل، منبع است و نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ اگرچه آیات، روایات و مآثرات نیز او را در فهم هرچه بهتر آیات یاری می‌دهند. بنابراین عقل در اینجا بیش از نیروی فکر و اندیشه و قوه قبول دانش است. عقل در اینجا، منبع تفسیر و عقل برهانی است.

۱. هرآینه در می‌یافتند آن را اهل استنباط از ایشان.

صدرا در مفاتیح‌الغیب درباره‌ی واژه‌ی عقل بحث کرده و با اشاره به اقسام متعدد عقل، شش نوع آن را نام برده است:

(الف) عقل عرفی و همگانی که مربوط به امور دنیوی و برداشت‌های زیرکانه در آن‌ها است.

(ب) عقل کلامی که به درک حسن و قبح اشیاء مربوط می‌شود.

(ج) عقل اخلاقی که همان عقل عملی است.

(د) عقل در علم‌النفس که بحث از حالات و درجات عقل است چون عقل هیولانی، عقل بالفعل و

(ه) عقل در علم الهی و مابعدالطبیعه که بحث از عقول مجرد است.

(و) سرانجام عقل در نزد فیلسوفانکه می‌فرماید؛ همان عقل در علم برهان است و عبارت است از: قوه و نیروی نفسانی که به سبب آن برای انسان به مقدمات کلی صادق ضروری، یقین حاصل می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱-۲۲۴). عقل در کتاب برهان، همان معقولات یقینی مقدمات برهان است که علت عقلی نتیجه‌ای هستند که خود به منزله معلول عقلی آن مقدمات است و مقدمات، علت تولیدی آن محسوب می‌شوند (حائری‌یزدی، ۱۳۶۱: ۲۴۱).

عقل برهانی از مغالطه و وهم و تخیل محفوظ است و عقلی است که با اصول و علوم متعارف خویش، اصل وجود مبدأ جهان و صفات و اسماء حسنی او را ثابت کرده است و تفسیر عقلی در موردی است که برخی مبادی تصدیقی و مبانی مستور و مطوی و برهانی مطلب به وسیله عقل استنباط شود و آیه مورد بحث بر آن حمل شود (جوادی‌آملی، ج ۱: ۱۷۱-۱۶۹).

قرآن خود نیز در احکام اعتقادی از برهان استفاده می‌کند و می‌فرماید: «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» (بقره/۱۱۱). بنابراین اگرچه طریقه جدل و خطابه را نیز تجویز کرده است، اما آن‌ها برای کسانی است که رتبه برهان و کشف را ندارند (ملاصدرا، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۵-۱۵). بنابراین عقل فلسفی، عقل برهانی است و روش عقلی در تفسیر فلسفی، روش برهان و استفاده از مقدمات کلی صادق ضروری و یقینی است. «بنابراین در این روش، عقل، منبع و ابزار تفسیر قرآن است و احکام و برهان‌های

عقلی، قرآینی برای تفسیر آیات قرار می‌گیرند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۹۱). این عقل، عقل منبع به اصطلاح آقای جوادی‌آملی است (جوادی‌آملی، ج ۱: ۱۷۱-۱۶۹).

۱-۲-۱ معنای عقل در دیگر گرایش‌های عقلی در تفسیر قرآن

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در اصطلاح تفسیر عقلی بر انواع زیادی از گرایش‌ها، چون گرایش ادبی، اجتماعی، فقهی، علمی، کلامی، عرفانی و ... اطلاق می‌شود. در این گرایش‌ها نیز بیشترین تکیه بر عقل و نظر است تا نقل و اثر. اما عقل در این گرایش‌ها غیر از عقل در گرایش فلسفی است. عقل در اینجا یعنی «استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات (همراه با توجه به روایات، لغت، کشف و شهود و ...) و استنباط از آن‌ها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات» (رضایی اصفهانی، ۱۹۱: ۱۳۸۲) عقل در اینجا با تفتُّن از شواهد داخلی و خارجی، معنای آیه‌ای را با تیزبینی از جمع‌بندی آیات و روایات در می‌یابد. عقل در اینجا، عقل مصباح و کاشف است (جوادی‌آملی، ج ۱: ۷۰-۱۶۹).

۱-۲-۲ تفسیر عقلی، تفسیر فلسفی و تفسیر به رأی

بر مبنای مشهور، تفسیر عقلی قطعاً همان تفسیر فلسفی نیست؛ بلکه تفسیر فلسفی یکی از اقسام تفسیر عقلی است. اما اگر عقل را به عقل برهانی تفسیر و در آن منحصر کنیم، در این صورت تفسیر عقلی، منطبق بر تفسیر فلسفی است. پس بر یک مبنا، تفسیر عقلی مساوی با تفسیر فلسفی است ولی بر مبنای مشهور، اخصّ از آن و بلکه یکی از اقسام و گرایش‌های تفسیر عقلی است؛ در کنار انواع دیگر آن چون تفسیر ادبی، تفسیر اجتماعی، تفسیر اخلاقی و

اما تفسیر عقلی قطعاً و به‌طور مطلق غیر از تفسیر به رأی است. صدر المتألهین دو مصداق برای تفسیر به رأی بیان می‌کند و آن را غیر از دریافت و آزاداندیشی فهم و ادراک می‌داند:

۱. تحمیل خواست و نظر و رأی مفسّر بر قرآن و تأویل قرآن براساس آنچه خود به آن تمایل و رغبت دارد.

۲. دیگر آنکه فرد به صرف دانستن مقداری عربی و بی‌پشتوانه نقل و روایت و دانش لغت و الفاظ پیچیده قرآن؛ یعنی بدون فراهم کردن ابزار و مقدمات لازم به‌سوی